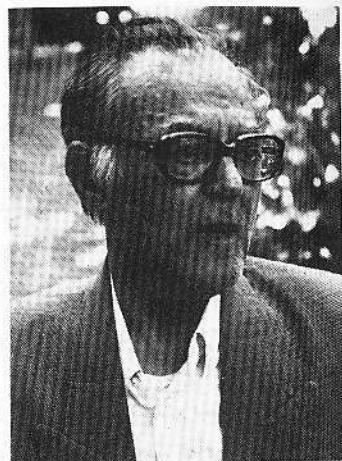


طرح رشد و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور



گفتگو با استاد دکتر سید جعفر شهیدی
(عضو شورای گسترش زبان فارسی)

که بعدها به هند و پاکستان تقسیم شد، مراکزی برای آموزش و فعالیت زبان فارسی بودند. در دوره تیموریها و پیش از سلطه انگلیسیها در شبه قاره هند کارهای فراوانی برای گسترش زبان فارسی انجام گرفت - چه در زمینه تدریس و چه در تصحیح و چه در چاپ متون - به همین جهت این سرزمین بهترین مرکز برای نشر و آموزش و گسترش زبان فارسی به شمار می رفت اما بعداً زبان انگلیسی جای آن را گرفت. غیر از کشور هند، در کشورهای اروپایی وقتی که شرق شناسی شروع شد کلاسهای برای تدریس زبان و ادبیات فارسی برپا شد. این کلاسها گسترش پیدا کرد بعضی از آنها تعطیل شد و بعضی ها ماند و کم و بیش ادامه یافت تا اوایل انقلاب اسلامی ایران. در دوره انقلاب اسلامی گرفتاریهای دولت از یکسو و جنگ تحمیلی در ایران از طرف دیگر سبب گردید که دولت نتواند آن توجهی را که باید به این مراکز بکند. البته قطع نشد اما ضعیف شد در نتیجه کرسیهای زبان فارسی یابریچیده شد و یا اینکه ضعیف شد. در نخستین سفری که بعد از انقلاب به هند کردم گزارش سفر را به دانشگاه دادم. نمونه ای از گزارش خدمت حضرت آیه ... خامنه ای (که آن وقت رئیس جمهور بودند) فرستاده شد. مضمون این گزارش این بود که زبان فارسی در هند روزبه روز ضعیف می شود و اگر تقویت نشود ممکن است از بین برود. کم و بیش این شکوه ها از جاهای دیگر نیز می رسید. علت آن هم این بود که کمکهایی که احياناً سالهای پیش به اینها می شد و یا دعوتهایی که از اینها به عمل می آمد در اثر گرفتاریهای دولت قطع و یا ضعیف شده بود. از طرف ایشان دستور

■ آشنا: انگیزه و علاقه شما به زبان و ادبیات فارسی از چه زمانی و به چه شکل آغاز شد با توجه به اینکه تحصیلات شما در علوم اسلامی می باشد؟

□ دکتر شهیدی: می توان گفت انگیزه اصلی پرداختن من به ادبیات از همکاری در لغتنامه دهخدا آغاز شد و بعد هم گرفتن مدرک تحصیلی جهت استخدام دولتی. زمانی که به منزل دهخدا رفتم پس از چندی در دبیرستان شروع به تدریس نمودم به عنوان حق التدریس. به من گفتند اگر شما بتوانید مدرک بگیرید در وضع حقوقی شما بسیار مؤثر واقع خواهد شد. این بود که نخست تصدیق مدرسی گرفتم. بعد از آن در دانشکده الهیات ثبت نام کردم و لیسانس را از آنجا گرفتم و برای طی دوره دکترای دانشگاه بهتر دیدم در دانشکده ادبیات به تحصیل بپردازم چون زمینه کاری نیز در ادبیات بود. باید بگویم علاقه به نظم و نثر فارسی از کودکی در من وجود داشت، هر کتاب ادبی که به دستم می رسید بیشتر نثر و کمتر شعر را مطالعه می کردم و کمتر کتاب ادبی می یافتم که نخوانم. این است که مجموعه اینها انگیزه ای برای پرداختن به ادبیات گردید ولی اساس آن کار لغتنامه بود.

■ آشنا: آقای دکتر در مورد شیوه تدریس زبان فارسی در خارج از کشور و نیز تجربه های خود را در این زمینه توضیح بفرمایید؟

□ دکتر شهیدی: تدریس زبان فارسی در خارج را از استادانی که مستقیماً با آن سروکار دارند باید پرسید. بنده فقط می توانم وضع زبان فارسی را در این کشورها تاحدی به عرض برسانم. بعضی از کشورهای همسایه مثل شبه قاره هند

تشکیل شورای گسترش داده شد به چهار وزیر هم مسؤولیت دادند. چند تن از استادان و نمایندگان وزارتخانه ها در این شورا شرکت کردند. استادان ماهی یک بار و وزرا هر چهارماه یک بار تشکیل جلسه می دهند، در نتیجه توجه خاصی به مشکلات زبان فارسی در خارج از کشور شد. طبیعی است که کار شورا این باشد که به دانشجویان بورس دهد و اگر لازم باشد معلمانی را به آنجا اعزام نمایند و اگر قرار باشد دانشجویانی از آنجا به ایران بیایند، وضع آنان مورد بررسی و تصویب قرار گیرد. از زمان تشکیل این شورا می توان گفت که توجه به کرسیهای خارج از کشور بیشتر شده البته هنوز شورا به آن نتیجه مورد نظر خود نرسیده اما وضعیت خیلی بهتر از گذشته است.

■ آشنا: لطفاً این شورا را کمی بیشتر معرفی نمایید؟

□ **دکتر شهیدی:** این شورا تشکیل می شود از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (ریاست شورا)، وزیر امور خارجه، وزیر آموزش و پرورش و وزیر فرهنگ و آموزش عالی، و مشکلات معمولاً به وسیله آنها برطرف می شود. نمایندگان از این وزارتخانه ها و تنی چند از اساتید دانشکده ادبیات و نماینده فرهنگستان زبان فارسی مجموعه اعضای این شورا را تشکیل می دهند. این شورا دو بخش دارد یک بخش کار این شورا مربوط می شود به رایزنی های فرهنگی که مسؤولیت آن مستقیماً با وزارت فرهنگ و ارشاد است که نیازهای فرهنگی آنها را برطرف می کند و یک بخش آن هم مربوط است به اعزام استاد و یا دعوت از دانشجو که زیر نظر آموزش عالی است. تشکیل کلاسهای ابتدایی نیز برعهده وزارت آموزش و پرورش می باشد. مجموعه تصمیمات در این شورا گرفته می شود.

■ آشنا: ملاک انتخاب استاد برای اعزام به خارج از کشور چیست؟

□ **دکتر شهیدی:** فعلاً چون دست ما بسته است مجبور هستیم از استادان دانشکده ادبیات دانشگاههای مختلف دعوت کنیم. که البته اجباری هم در میان نیست. استادان بنابه علاقه خود به دانشگاههای مختلف فرستاده می شوند. از دو سال پیش طرحی ریخته شد و مؤسسه ای به وجود آمد که البته هنوز شروع به کار نکرده ولی مقدمات آن انجام شده. کار این مؤسسه تربیت استاد برای اعزام به خارج است. اولین داوطلبان آن را امسال گرفته اند اما هنوز کلاسها شروع نشده. اگر این مؤسسه شروع به کار نماید تاحدی مشکلات برطرف خواهد شد. این مؤسسه زیر نظر دانشگاه تهران است، و مسؤولیت آن را «مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی» برعهده دارد.

■ آشنا: دانشجویان این مؤسسه را که بعداً استاد

خواهند شد چه کسانی تشکیل می دهند؟

□ **دکتر شهیدی:** ما از دانشجویان دوره فوق لیسانس و دوره دکترا امتحانی گرفتیم و چند نفری را هم انتخاب کردیم هنوز مرحله مصاحبه صورت نگرفته. گمان می کنم از اول مهر این کلاسها کار خود را شروع کنند.

■ آشنا: استادانی که برای تدریس در خارج از کشور انتخاب می کنید عمده کارشان بر چه زمینه ای است مکالمه زبان فارسی یا ادبیات؟

□ **دکتر شهیدی:** اینها باید در زمینه زبان و ادبیات و فرهنگ ایران تدریس کنند، به همین جهت باید این درسها را در اینجا تکمیل کنند.

■ **آشنا:** ما در دیداری که از هند داشتیم بسیاری از استادان آنجا بودند که دکترای زبان و ادبیات فارسی داشتند اما چون مکالمه نمی دانستند از دید استادانی که برای تدریس رفته بودند افراد ضعیفی به نظر می آمدند در حالیکه دانشجویانی بودند که به خوبی زبان فارسی را صحبت می کردند، و استادان اعزامی به آنها توجه بیشتری داشتند چون خوب می توانستند صحبت کنند و به نظرشان هم می آمد که خیلی خوب فهمیده اند و خوب پیش رفته اند. از نظر شما در کدام زمینه ضرورت بیشتری وجود دارد، مکالمه یا ادبیات؟

□ **دکتر شهیدی:** البته مکالمه بخشی از زبان فارسی است اما تنها مکالمه نیست اگر اینطور بود می توانستند افراد را اینجا بیاورند و طی شش ماه مراد و مکالمه، فارسی آنها را تقویت نمایند. منظور آموزش زبان و ادبیات فارسی است. گرفتاری آنها این است که اصلاً به ایران نیامده اند و با فارسی زبانها صحبت نکرده اند. علتش هم همان مشکلاتی بود که بین ایران و سایر کشورها به وجود آمد. آن دانشجویانی که شما فرمودید حتماً برای دوره سه چهار یا شش ماهه به ایران آمدند. اما کار ما صرفاً روی مکالمه نیست بلکه محتوا هم مدنظر است.

■ آشنا: غیر از مبادله استاد، آیا راههای دیگری از جمله تهیه نوارهای ویدیویی برای هدیه به دانشگاههای آنجا نمی تواند مؤثر باشد؟

□ **دکتر شهیدی:** آزمایشگاهی در دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی داریم اما مشکل ما فرستادن مداوم نوار و کتاب است.

■ **آشنا:** در صحبتی که با دانشجویان دانشگاه جواهر لعل نهرو داشتیم، می دیدیم که مکالمه فارسی آنها در مقایسه با سایر دانشگاهها از وضع بهتری برخوردار بود، آنها خود علتش را وجود همان لابراتوار می دیدند.

□ **دکتر شهیدی:** خیر اینطور نیست. بلکه علتش وجود

استادان برجسته زبان فارسی در آنجا است. استادانی که مدتی را در ایران گذرانده اند مثل دکتر عابدی یا دکتر اظهار دهلوی و چند نفر دیگر از استادان که زبان فارسی را در ایران گذرانده اند، بقیه استادانی هستند که زبان فارسی را همانجا یاد گرفته اند. یک مرتبه که سر کلاسشان رفتم دیدم که شعر بیدل را می خوانند و به انگلیسی یا اردو برای آنان تفسیر می کنند. علت آن، این بود که آنان به ایران نیامده بودند. اگر ما بتوانیم تسهیلاتی را فراهم نماییم که استادان آنها به ایران بیایند و یک دوره دو سه ماهه ببینند برای تدریس زبان فارسی بسیار مؤثر واقع خواهد شد و اگر بتوانیم آنها را به وسایل سمعی - بصری مجهز نماییم نیز خیلی مؤثرتر خواهد بود.

■ آشنا: جناب دکتر آنچه که در آنجا به عنوان متون نظم و نثر معاصر تدریس می شد مجموعه ای بود از چند شعر و مقاله که از میان کتابهای موجود در آنجا فراهم شده بود که بعضاً هم ناپخته بود. حداقل کاری که می شود کرد این است که استادان ما در اینجا متن ساده ای را فراهم سازند که آنها خودشان در آنجا چاپ و تکثیر نمایند.

□ دکتر شهیدی: ما به آنها پیشنهاد کردیم که بیایند و سه کتاب را با مشورت استادان و متناسب با روحیه شاگردان خودشان فراهم سازند و سپس آنها را جهت بازبینی نزد ما بفرستند. وزرات ارشاد نیز در اینجا چاپ و نشر آن را برعهده می گیرد. آنها منتظرند که ما اینکار را انجام دهیم در حالیکه آنها با روحیه شاگردانشان آشنا ترند و می توانند متناسب با روحیه آنها برنامه ریزی نمایند. شاید این کوتاهی قدری هم به آنان برگردد وگرنه وزارت ارشاد در این باره آمادگی دارد، چنانکه مثلاً ترجمه هایی را که از نظامی و فردوسی در چنین صورت گرفته، به چاپ رسانده است.

■ آشنا: در گفتگویی که با اساتید داخل و خارج داشتیم، یکی از کمبودها را عدم دسترسی به کتاب عنوان می کردند. به نظر شما چگونه می توان این کمبود را جبران نمود؟

□ دکتر شهیدی: بله درست است. من سال اولی که از سفر برگشتم پیشنهاد کردم که در هر ریزنی فرهنگی یک کتابخانه داشته باشیم و در آن، کتابهایی که از متون قدیم و همچنین معاصر در ایران چاپ می شود قرار داده شود تا استادانی که به آن نیاز دارند از آن استفاده نمایند. پیشنهاد را پذیرفتند اما عملاً کاری از پیش نبردند شاید هم نتوانستند.

■ آشنا: با توجه به مسافرتها یی که تاکنون به خارج از کشور داشته اید وضع زبان فارسی را در دیگر کشورها چگونه دیده اید؟

□ دکتر شهیدی: آن سودی را که در حدود ۲۰ یا ۳۰ سال

پیش کشورهای خارج، از زبان فارسی می بردند در حال حاضر دیگر نمی توانند ببرند یعنی اکنون برای آنها صرف نمی کند که روی آن سرمایه گذاری نمایند. این سرمایه گذاری باید از جانب ما صورت گیرد و خود ما باید کمک کنیم. علت اینکه بعضی از کلاسهای ما تعطیل شد، این بود که برای دولت میسر نبود که به این بخش ها برسد. قبل از انقلاب قانونی در کشورهای عربی بود که کسانی که می خواهند در رشته های زبان و ادبیات عرب لیسانس بگیرند یک زبان خارجی غیر از زبان عربی و زبان اروپایی را باید یاد بگیرند. این زبان مقید به سه زبان فارسی و ترکی و عبری بود. زبان عبری را یاد نمی گرفتند چون آن زمان معاهده کمپ دیوید بسته نشده بود. ترکی را هم کمتر به آن توجه می کردند. نوعاً در رشته های زبان و ادبیات عربی کرسی زبان فارسی بود. مثلاً در الجزیره سه کرسی زبان فارسی بود. یکی در قسنطینه دیگری در خود الجزیره و سومی در وهران، در سوریه همینطور. در مصر در چند دانشگاه در عراق سه مرکز کرسی زبان و ادبیات فارسی داشتیم: در موصل، بغداد و سلیمانیه. در سفری که در سال ۱۳۵۷ به آنجا داشتم در هر سه دانشگاه سخنرانی کردم. در لیبی، مغرب، در تمام اینها کرسی زبان فارسی وجود دارد. منتها یا استادان آنجا بازنشسته شدند و رفتند و به آنها توجه نشد و یا همانطور که گفتم گرفتاریهای ما باعث شد که وزارتخانه های ما نتوانند به آنجا رسیدگی نمایند. اندک اندک کرسیهای زبان فارسی در آنجا تعطیل شد. الان با تشکیل شورای گسترش و توجهی که به آنجا می شود احتمال می رود که ضایعات جبران شود.

■ آشنا: درباره مصر که جنابعالی به آنجا مسافرت داشتید بفرمایید که تعداد دانشگاههایی که کرسی زبان فارسی دارند و نیز نحوه تدریس و وضع استادان آنجا چگونه است؟

□ دکتر شهیدی: مصر در حال حاضر از جهت اعزام استاد به کشورهای دیگر با ما رقابت دارد. در دانشگاه قاهره و عین شمس و دانشگاه الازهر - که این سه در قاهره هستند - اسکندریه، اسیوط فارسی تدریس می کنند و بیشتر کشورهای عربی که به استادان زبان فارسی نیاز داشته باشند از این کشور تقاضا می کنند. ارتباط فرهنگی ما تاکنون به لحاظ قطع ارتباطات سیاسی قطع بوده اما در حال حاضر شاید بتوان روابط فرهنگی را جدای از روابط سیاسی گسترش دهیم. در مصر بیش از ۷۰۰، ۸۰۰ نفر در دوره های فوق لیسانس و دکترا در حال تحصیل می باشند. استادانی که من می شناسم یکی دکتر عبدالرحیم حسنین و دیگر دکتر امین عبدالمجید که اینها در اینجا درس خوانده اند و در حال حاضر بازنشسته شده اند اما استادان دیگری نیز هستند مثل خانم عارفه که

تاریخ گردیزی را در دو جلد به عربی ترجمه کرده بود این نشان می دهد که زبان فارسی در آنجا هنوز هم زنده است. بیشتر فعالیتها در دانشگاه بر عهده استادان جوان آنجا است که ناشناخته مانده اند.

■ آشنا: از لحاظ کتاب در چه سطحی هستید؟

□ دکتر شهیدی: خیلی اطلاع ندارم اما همچنانکه در مقاله اشکهای بر ساحل نیل گفته ام به مرکز دراسات شرقیه کتابهایی از سوی اسرائیل فرستاده شده بود ولی ما نتوانسته ایم کتابی به آنجا بفرستیم.

■ آشنا: جناب دکتر، رکودی که در ادبیات می بینیم (در دو زمینه یکی عدم تمایلی که قشر دانشجو به این رشته دارند و کسانی به این رشته روی می آورند که از دیگر رشته ها بازمانده باشند و دوم درصد کارهای تحقیقی است که با سالهای قبل مطابقتی ندارد) ناشی از چه عواملی است؟

□ دکتر شهیدی: قسمت دوم را با شما موافق نیستم. البته باید بگویم کسانی که تا قبل از جنگ دوم جهانی در آن رشته های علمی فارغ التحصیل می شدند و در ادبیات فارسی و عربی مهارت داشتند جزء امتیازات و برتری آنان محسوب می شد. افرادی مثل دکتر غنی، دکتر آذر و دکتر قریب، که دکتر آذر را من خودم چندین بار ملاقات کردم و دیدم که چگونه قصیده های عربی را به خوبی از حفظ می خوانند. از این جهت بود که در دوره گذشته و تا قبل از جنگ دوم جهانی، آشنایی با ادبیات فارسی فضل و برتری شمرده می شد. اما بعد از اینکه علم و تکنیک و صنعت گسترش پیدا کرد از یک طرف رشته های دیگری به این رشته اضافه شدند و از طرف دیگر سودی که در رشته های علمی وجود داشت بیشتر از سودی بود که در رشته های ادبی به دست می آمد. این است که می بینیم اقبال به آن رشته ها زیاد شده. البته این به آن معنا نیست که از طالبان ادبیات فارسی کاسته شده منتها امتحانات عمومی که برگزار می شود و همه باید از یک صافی رد شوند باعث خواهد شد تا آنان که استعدادی در این رشته دارند به رشته های دیگر جذب شوند. اگر امتحان در دو مرحله برگزار می کردند و می گفتند هر کس به زبان و ادبیات فارسی علاقه دارد بیاید و امتحان بدهد، آنوقت مشخص می شد طالبان زبان و ادبیات فارسی کم نیستند.

■ آشنا: مقایسه ای میان کارهای ابداعی و کارهای تفسیری در دوره اخیر، نشان دهنده افت کارهای ابداعی است مثلاً اثری مانند شاهنامه در یک عصری به وجود

می آید و تمام کارهایی که پس از آن صورت می گیرد کارهایی است حاشیه ای که بر شاهنامه انجام می شود و سایر آثار نیز به همین ترتیب. دلیل این رکود را چه می دانید؟

□ دکتر شهیدی: منظور از کاری ابداعی چیست استادان ما در این پنجاه سال نوآوریهای کرده اند و مثلاً اثری مثل لغت نامه دهخدا، دوره های قبل وجود نداشت و یا مثل تاریخ ادبیات دکتر صفا، و ده ها کتاب دیگر منتها همانگونه که عرض کردم کسادی بازار است. و علت آن این است که جوانهای ما می روند سراغ کارهایی که سوددهی آن بیشتر باشد. بنابراین کمتر به ادبیات می پردازند.

■ آشنا: اگر بخواهیم خلاصه کنیم شما قبول دارید که صنعتی شدن به ادبیات ما ضربه زده؟

□ دکتر شهیدی: این را در همه جای دنیا می توان دید. در حال حاضر شرق شناسان و ایران شناسانی که قبل از جنگ دوم جهانی و اوایل جنگ اول وجود داشتند دیگر نیستند، علت آنهم همان صنعتی شدن است.

■ آشنا: یعنی آیا لازمه صنعتی شدن اینگونه است یا اینکه آیندو باهم جمع می شوند؟

□ دکتر شهیدی: طبعاً اینگونه است اما به این معنا نیست که هر کشوری که صنعتی شد، ادبیات آن از میان می رود. خیر. اما باید دید که چه چیزی شاخص دانشمند شدن به شمار می رود. در دوره گذشته کسی که دژه نادره را خوانده بود و می توانست لغات آن را معنا کند به او لقب دانشمند می دادند اما الان دیگر کسی سراغ اینها نمی رود یا مثلاً کسی که به ادبیات فارسی و عربی وارد بود و خوب کار کرده بود می گفتند که او فاضل و دانشمند است در حالیکه اگر در طب به مقام اعلی هم می رسید کسی به او توجهی نمی کرد یا اگر در معماری و مهندسی به درجه عالی می رسید وارد مجلسی که می شد توجهی که به یک ادیب می شد به او نمی شد. الان این شاخص ها دارند جابجا می شوند اما باز هم باید بگویم ادبیات جایگاه خود را حفظ نموده است.

در پایان امیدوارم مجله آشنا وظیفه ای را که برعهده گرفته است به خوبی از انجام آن برآید یعنی حلقه اتصال باشد میان فارسی زبانان و اساتید داخل کشور با تمام دستداران ادب فارسی در خارج از کشور.

■ آشنا: با سپاس فراوان از شما استادگرامی. ■